

## سرسخن

کتاب حاضر بنا بر آنچه مؤلف محترم در مقدمه خود آورده حاصل رساله دکتری اش در دانشگاه UCLA و دربردارنده تتبع و تحقیق ارزشمند وی در منابع اصلی و دست اول و تحقیقات جدید به زبانهای مختلف است. آنچه از دکتر عباس دانشوری دانسته است این است که ایشان در دانشگاههای مختلف امریکا، از جمله دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، براندایز، دانشگاه ماساچوست و دانشگاه لس آنجلس کالیفرنیا تحصیل کرده و از دانشگاه UCLA دکترای تاریخ هنر دریافت کرده است. نامبرده نویسنده هفت جلد کتاب و شمار قابل توجهی مقاله و تک‌نگاشت است. او در حال حاضر رئیس گروه هنر دانشگاه ایالتی کالیفرنیا و استاد تاریخ هنر آن دانشگاه است.

کتاب حاضر که با یک پیشگفتار، مقدمه و در چهار مبحث تدوین یافته، در خاتمه دربردارنده فهرست کامل کتاب‌شناسی از منابع متقدم و تحقیقات جدید و تصاویر افزوده بر آن است. مبحث اول آرامگاه به مثابه تصویری از بهشت، مبحث دوم گنبد به مثابه زیارتگاه، و مبحث سوم اهمیت اجتماعی-سیاسی آرامگاههای برجی نام گرفته‌اند؛ مبحث چهارم، نتیجه‌گیری، در واقع برآیند تتبعات مؤلف محترم است. دانشوری در این اثر کوشیده است تا از مآخذ ارجمندی در تألیف خود بهره جوید و شواهد بسیاری از متون را در پاورقی یا متن ارائه نماید. به نظر راقم این سطور، مباحث نظری مطرح‌شده در اساس، بنیان مبانی نظری باستان‌شناسی و معماری دوران اسلامی ایران و نمونه‌ای موفق در مطالعات متنی مربوط به سده‌های میانی ایران و عصر سلجوقی است. متون استفاده‌شده در کتاب متأسفانه کمتر محل رجوع باستان‌شناسان دوران اسلامی و معماران علاقه‌مند به پژوهش در دوره یادشده است. دکتر عباس دانشوری به درستی کوشیده است تا وفق بین آنچه را در حوزه تعالیم

نظری اسلامی - به ویژه در متون ادبی، عرفانی، تاریخی و تذکره‌ها - و حوزه عمل که در معماری و تزیینات وابسته به آن شکل می‌گیرد و تبلور می‌یابد بر ما بنمایاند. حوزه‌ای که به مثابه امر قدسی از آن سخن رفته است.

مترجمان در ترجمه مشترک این اثر همکاری صمیمانه‌ای داشته‌اند. شایان ذکر است که ترجمه فارسی دوبار با اصل انگلیسی مقابله گردید. تمامی ارجاعات به ویژه در منابع متقدم با اصل منبع تطبیق داده شدند. افزون بر این، به جای ترجمه متون متقدم آمده در متن، اصل آنها از منابع و با رعایت سبک نوشتاری هریک آورده شده است. تمامی توضیحات، حواشی، تعلیقات و خطاهای اندک مؤلف محترم در پاورقی و میان دو قلاب و با حرف ن = نیستانی [ن] مشخص گردیده و به تفصیل آمده است. اشعار فارسی که برخی از آنها در پاورقی آمده بود، در ترجمه به متن منتقل گردید و در صورت اشاره نشدن به آنها در پاورقی، بی‌استثنا از منابع ارجاعی استخراج و در متن ترجمه گنجانده شده است.

نگارنده از تلاش و همکاری صمیمانه خانم زهره ذوالفقار کندی سپاس‌گزار است. افزون بر این، از مساعدت جناب دکتر سعیدی، یاری استاد گرامی جناب دکتر سرفراز، و پیگیری مدام آقای رهبر، کارشناس محترم گروه باستان‌شناسی سمت، تشکر می‌شود. شایسته است از جناب دکتر صادق آئینه‌وند که همواره با صبوری تمام و روی گشاده در مشکلات ریز و درشت برگردان فارسی این اثر از مشورت ایشان بهره برده‌ام و نیز از زحماتی که سرکار خانم عابدینی ویراستار محترم متقبل شده‌اند قدردانی کنم. توفیق همه عزیزان را از خداوند منان خواهانم.

جواد نیستانی

عضو هیئت علمی گروه باستان‌شناسی

دانشگاه تربیت مدرس

## پیشگفتار

کتاب حاضر به ویژه ارائه دهنده تحقیقات من درباره مقابر برجی ایران در قرون میانه است که برای رساله دکتری در دانشگاه UCLA فراهم آمده است. گرچه مجلد حاضر مطالعه‌ای است دقیق‌تر و منسجم‌تر درباره نگاره‌شناسی مقابر برجی و از بسیاری از استنتاجهای موجود در رساله مجزاست.

فهرست مقابر برجی نیز که در رساله اصلی موجود است در این مجلد حذف شده است. به دو دلیل چنین تصمیم گرفتم. نخست آنکه نام و مطالب مربوط به بیشتر این بناها در حال حاضر منتشر شده است، دیگر آنکه رساله دکتری رابرت هیلن براند<sup>۱</sup> که در ۱۹۷۴، و حدود سه سال پیش از رساله من، با عنوان «مقابر برجی ایران تا ۱۵۵۰» در دانشگاه آکسفورد به رشته تحریر درآمد، در بردارنده فهرست بسیار دقیقی از این بناهاست. امید آن دارم که این کتاب در آینده‌ای نه‌چندان دور منتشر شود.

در نگارش این کتاب از یاری کسان بسیاری سود جستیم. بخش وسیعی از کار من طی سفرم به ایران در ۱۹۷۴ به انجام رسید. من، کاترینا اوتودورن<sup>۲</sup> و گونول اونی<sup>۳</sup> این سفر را مرهون لطف انجمن تحقیقات علمی-اجتماعی نیویورک هستیم و از ایشان برای این حمایت و بزرگواری سپاس گزارم.

طی سالهایی که پیش‌نویس این نگاشته را تجدید نظر و اصلاح می‌کردم، دوستان و همکاران نظرهایی درباره آن ابراز داشتند که در نهایت آن را به اثری درخور توجه تبدیل کرد. ارزنده‌ترین آنان یار شفیق من رابرت هیلن براند بود که همواره از یاری و نظرهایش بهره برده‌ام. در طول دوران اقامتم در قاهره در ۱۹۸۱،

---

1. Robert Hillenbrand  
2. Katharina Otto-Dorn  
3. Gonül Öney

برنارد اوکین<sup>۱</sup> این نوشته را خواند و نظرهایی درباره آن ابراز داشت. همواره مرهون دوستی، عطف و تشویقها و اندرزهای وی هستم. در پایان باید مراتب قدردانی خود را از کاترینا اوتودورن، ریاست گروه دکتری ام ابراز کنم که او نیز چون دیگران نوشته‌ام را خواند و درباره آن نظر داد و همواره مشوقم بود.

دی. ال. بارلو<sup>۲</sup> نسخه‌های تصحیح‌شده و متعدد این اثر را صبورانه و با دقت بسیار حروف چینی کرد. دوستان دیگری چون زارا هوشمند<sup>۳</sup> و جنی برت<sup>۴</sup> کار تصویرسازی را برعهده گرفتند. توانایی آنها این مجلد را به بهترین شکل به سرانجام رساند. جو گلترین<sup>۵</sup> نه تنها دست‌نوشتم را حروف چینی کرد، بلکه بسیاری از خطاهای حروف چینی را که از سوی من نادیده گرفته شده بود، تصحیح کرد. فراتر از همه اینها دوستی و عطف وی بود که در نگارش این کتاب برایم سرمایه‌ای بی‌نظیر به شمار می‌رفت.

طی سالهای ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۷ که به گردآوری مطالب این تحقیق مشغول بودم، کارن دانشوری<sup>۶</sup> همواره مرا به انجام این کار تشویق می‌کرد و از من می‌خواست که خود را وقف آن کنم. این مجلد را به او تقدیم می‌کنم که با یاری، بردباری، مهربانی و تشویقهایش بستر فراهم آمدن این مهم را مهیا ساخت.

- 
1. Bernard O'Kane
  2. D. L. Barlow
  3. Zara Houshmand
  4. Genie Barrett
  5. Joe Coltrane
  6. Karen Daneshvari

## مقدمه

«جابر فرمود: پیامبر خدا که درود و رحمت خداوند بر او باد، ساخت بنا و گچ کاری روی قبور و همچنین نشستن روی آن را ممنوع کرد»<sup>۱</sup>.  
شواهد موجود بیانگر ممنوعیت برپا داشتن بنای یادبود بر سر مزارند. تمام احادیث بیانگر مخالفت شدید حضرت محمد (ص) با ساخت بنا بر روی قبورند. تکریم متوفی با بنای یادبود، سوگواری و مراسم تدفین خلاف عرف بود و نشانه‌های شرک یا میراث مسیحی-یهودی به شمار می‌رفت. از این رو، در اوایل دوران اسلامی کوشش‌های بسیاری برای متوقف کردن آداب و سنن پیش از اسلام یعنی ساخت هر نوع بنا بر روی قبور صورت گرفت. برای مثال، به گفته بخاری در کتاب جنائز، ابن عمر فرمان داد چادر برپاشده بر روی آرامگاه عبدالرحمن<sup>۲</sup> برداشته شود. همچنین ابن بطوطه (متوفی ۷۷۷ ق/۱۳۷۷ م) به نقل از ابوهریره تأکید بسیار بر عدم برپایی چادر بر روی مزار دارد.<sup>۳</sup> پیامبر نیز نماز گزاران را از برپا داشتن نماز بر سر مزارش منع کرد و فرمود: «خداوند کسانی را که مزار پیامبرانشان را

---

۱. مجموعه حدیث، به کوشش م. م. علی (لاهور، بی تا)، ص ۲۰۳. برای دستیابی به منابع بیشتر درباره نخستین احادیث ذکر شده در بخاری، احمد بن حنبل، ترمذی و دیگران مربوط به ممنوعیت ساخت بناهای یادبود، نک:

K. A. C. Creswell, *The Muslim Architecture of Egypt*, 2 vols. (Oxford, 1952), I:110, note 8 and C. H. Becker, *Christentum und Islam* (Tübingen, 1907), p. 28.

۲. بخاری، صحیح البخاری، به کوشش و ترجمه ام. ام. خان (کانت، ۱۹۷۱)، جلد ۲، ص ۲۴۹ و Ignaz Goldziher, "On the Veneration of the Dead", in *Muslim Studies*, 2 vols., ed. S. M. Stern, trans. from German by C. R. Barber and S. M. Stern (Albany, 1977), I:232.

۳. *Voyages d'Ibn Batoutah*, Texte Arabe accompagnée d'une traduction par C. Defrémery et le dr. B. R. Sanguinetti (Paris, 1853-58), p. 113.

به عنوان مسجد برمی‌گزینند، نابود خواهد کرد».<sup>۱</sup> ابن جوزی (متوفی ۵۹۷ق/۱۲۰۱م) در کتاب خود به عدم موافقت درست‌دینان با مزارهای مجلل، معطر کردن قبور و استفاده از سایه‌بانهای باشکوه اشاره کرده است.<sup>۲</sup> شواهد بسیاری در ارتباط با ممنوعیت برپا کردن هر نوع بنا (خیمه یا ساختمان) و نیز برپایی مراسم پرزحمت در اوایل دوره اسلامی در دست است. اما با وجود تمام این مخالفتها، هنوز ساخت آرامگاه پدیده‌ای رایج است و اصل هم‌سطح بودن قبر با زمین اطرافش (نسوی القبور) تنها در مذهبی‌ترین جوامع اسلامی رعایت می‌شده است. در حقیقت، یوسف راغب نشان داده است که با وجود این ممنوعیتها، ساخت بناهای یادبود طی نخستین سلسله‌های اسلامی (امویان و عباسیان) برای اشخاص مهم معمول بوده است.<sup>۳</sup> برای مثال، هارون الرشید فرمان ساخت آرامگاه خود را پیش از مرگ صادر کرده بود.<sup>۴</sup> با اینکه ممکن است عجیب به نظر برسد، حتی مقبره پیامبر نیز سازه گنبدی شکل دارد که البته قدرت مذهبیها تا قرن سیزدهم از ساخت آن جلوگیری کرده بود.<sup>۵</sup>

با توجه به وسعت این ممنوعیت، پرسشهایی که درباره علل محبوبیت و جاودانگی بناهای مقبره‌ای مطرح می‌شوند، بسیار حائز اهمیت‌اند.

برخی از محققان درصدد یافتن پاسخی برای شکل‌گیری آرامگاههای برجی برآمدند. با وجود این، هیچ‌یک نتوانستند پاسخ قانع‌کننده‌ای برای وجود این نوع بناها در کنار سنتهای اسلامی بومی حاکم بر آنها بیابند. آنها برای توجیه این حضور

1. Ibn Ishāq (Ibn Hishām), *Sīrat al-Nabī*, trans. by A. Guillaume as *The Life of Muhammad* (Oxford, 1970), p. 689; *Idem*, *Kitāb Sīrat Rasūl Allah*, ed. F. Wüstenfeld (Göttingen, 1859), p. 1021.

همچنین در *جائز بخاری* (I:232) (cited in Goldziher, I:232) به مخالفت پیامبر با احداث بنا روی قبور اشاره شده است:

هنگامی که حسن بن علی درگذشت، همسرش به مدت یک سال چادری روی قبر او برپا کرد و سپس آن چادر از بین رفت. هاتفی ندا در داد: «آیا آنان گمگشته خویشتن را یافتند؟» و هاتفی دیگر پاسخ داد: «نه، اما آنها تسلیم سرنوشت شدند و از این دنیا رفتند».

2. *Tablīs al-Iblīs*, Partial Translation by D. S. Margoliouth as "The Devil's Delusion" in *Islamic Culture*, XII/4 (1938), pp. 456-7, and the Arabic Text ed. M. Munīr (Cairo, 1948), p. 402; see also Robert Hillenbrand, "The Tomb Towers of Iran to 1550", Unpublished dissertation, 2 vols. (Oxford, 1974) II:113 ff.

3. "Les premiers monuments funéraires de l'Islam", *Annales Islamologiques*, IX (1970), p. 21.

4. *Ibid.*, pp 31-32.

5. Jean Sauvaget, *La mosquée omeyyade de médine* (Paris, 1947), p. 44.

و با قبولاندن یک منشأ ریخت‌شناسی مؤثر، ترجیحاً خارج از مرزهای اسلامی که جنبه‌های کلیشه‌ای در آن معقول جلوه کند، به جست‌وجوی دلیلی برای وجود و محبوبیت این آرامگاهها برآمدند.

برای نمونه، کی. ای. سی. کرسول بر این باور است که آرامگاههای سایبانی بالداجین در سوریه، فلسطین و ناحیهٔ ماوراء اردن (شکل ۱) خاستگاه اصلی ظهور آرامگاههای سایبان‌دار مصر (یعنی سبک بنات در فسطاط حدود ۴۰۰ق/۱۰۱۰م) (شکل ۲، تصویر ۱) و به دنبال آن، مقابر اولیهٔ مربع‌شکل ایران بوده است، چرا که میان آرامگاه سامانیان در بخارا (شکل ۳، تصویر ۲) و مقبره‌های سایبان‌دار در مصر شباهت سبکی مشاهده کرده است.<sup>۱</sup> کرسول، بر این باور است که استفاده از مقبره‌های سایبانی سوری برای ساخت نخستین آرامگاهها در حقیقت نوعی حد وسط، میان منع کامل این کار در «حدیث» و تمایل مردم برای داشتن نوعی مقبرهٔ زیبا و ارزشمند، محسوب می‌شده است. او اظهار می‌دارد:

شاید تصور می‌شد که چون قرار گرفتن قبر زیر یک سایبان به طور کامل آن را نمی‌پوشاند و قبر در معرض نور خورشید و باد و باران قرار می‌گیرد، پس این کار چندان هم اصول «حدیث» را نقض نمی‌کند. اما ضرورت ساخت محراب به زودی باعث مسدود شدن آن از سمت قبله گردید و به تدریج تمام جهات قبر با دیوار پوشانده شد.<sup>۲</sup>

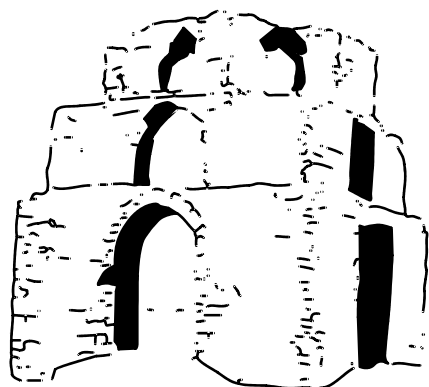
با این همه، کرسول مسئلهٔ تمایل مسلمانان را برای داشتن مقبره‌های مجلل به طور کامل نادیده می‌گیرد. چرا فرهنگ اسلامی چنین علاقه‌ای به نقض اصول «حدیث» و کنار گذاشتن سنتهای خودش داشت؟ گذشته از مسئلهٔ تأثیر منشأ ریخت‌شناختی که می‌تواند واجد اهمیت بصری باشد، اولین و مهم‌ترین پرسش موجه این است که کدام نیروی سیاسی-اجتماعی، فرهنگی یا مذهبی مسلمانان را

1. *The Muslim Architecture of Egypt*, I:111-113.

قدمت آرامگاههای سایبانی سوری و ماوراء اردن به قرن اول قبل از میلاد تا قرن سوم میلادی می‌رسد. کرسول دو نمونه در این ارتباط ذکر می‌کند، یکی «آسار» و دیگری «حسن اوغلو» که هر دو مربوط به قرن اول یا دوم میلادی‌اند. برای دستیابی به نمونه‌های بیشتر، نک منابع زیر:

E. Will, "La tour funéraire de la syrie et les monuments apparentées", *Syria*, XXVI (1949), plates XIII/2, XIV/1.

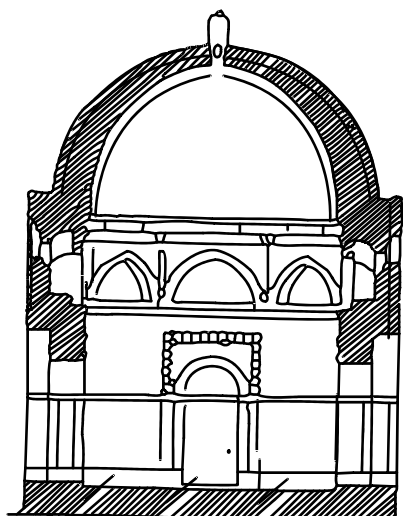
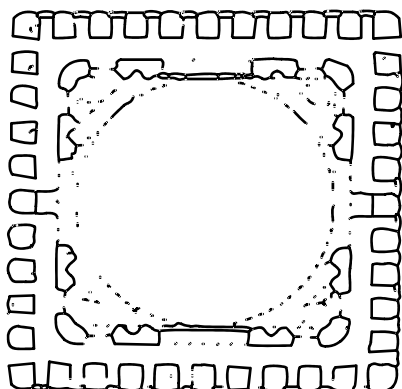
2. K. A. C. Creswell, *The Muslim Architecture of Egypt*, I:113.



شکل ۲ سبع بنات، فسطاط، دوره فاطمی، حدود ۱۰۱۰ میلادی، برگرفته از کرسول.



شکل ۱ آرامگاه بالداجین، آسار، سوریه، حدود قرن سوم میلادی، برگرفته از کرسول.



شکل ۳ آرامگاه سامانی، بخارا، دوره سامانی، قرن دهم میلادی، برگرفته از رمپل.

وادار به ساخت مقابر برجی کرده است. محققان دیگری نیز چون کرسول که در این زمینه مطالعاتی داشته‌اند، با پذیرفتن وجود منشأ سبکی وارد شده، بر آن شدند تا نشانه‌هایی تصویری در این زمینه ارائه دهند. اولگ گرابار، اهمیت آرامگاه‌های برجی را در نقش خاص آنها به عنوان نماد فتح و پیروزی می‌داند و بدین ترتیب در

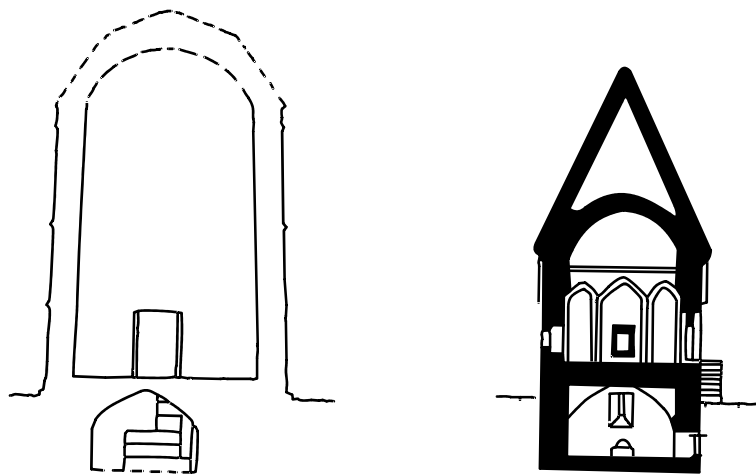


کنار دیگر دلایل سبکی عنوان شده، نوعی معنای سیاسی نیز برای آنها قائل می‌شود. به عقیده او:

اکنون نوعی بنای متفاوت وجود دارد که در معنای نمادین آن به عنوان بنای یادبود، برج پیروزی یا نوعی نشان، همواره اختلاف نظر وجود داشت، و به منزله نوعی معماری مزار به کار می‌رفت، آن هم به دلیل اهمیت معنای انتزاعی‌اش به مثابه نمادی از قدرت یا تقدس، نه به عنوان نوعی سبک برای مزار.<sup>۱</sup> این نظریه، در گسترده‌ترین ابعاد خود، چادرهای بادیه‌نشینان آسیای مرکزی را (حتی با برخی از شعائر مذهبی‌شان) منشأ نگاره‌شناختی در بنای آرامگاههای برجی اسلامی به شمار می‌آورد. به باور ارنست دیز، برجهای مسقف مخروطی، برگردانی از چادرهای سلطنتی بادیه‌نشینان آسیایی به نظر می‌رسند که در آنها به جای پارچه از مواد مقاوم و بادوام استفاده شده است.<sup>۲</sup> آرتور اپهام پوپ<sup>۳</sup>، اریک شرودر<sup>۴</sup>، اس. پی. تولستو<sup>۵</sup>، کاترینا اوتودورن و امیل اسین<sup>۶</sup> نظریه‌های مشابهی در این زمینه مطرح کرده‌اند. گرچه به باور اوتودورن، نظریه وجود منشأ نگاره‌شناختی مقابر برجی قوی‌تر است و می‌تواند نظریه ساخت مقبره‌ها را بر اساس نگاره‌شناختی به خوبی توجیه کند. او بر این باور است که چون تمامی علل سبکی از آسیای مرکزی نشئت گرفته‌اند، معنا و مفهوم این مقبره‌ها نیز بر اساس تشریفات مذهبی تدفین در میان بادیه‌نشینان آسیای مرکزی شکل گرفته است. او در کتابش هنر اسلام، بیان کرده است که گنبد خانه‌های سردابه‌ای در آناتولی و نواحی غربی ایران (برای نمونه، نک: شکل‌های ۴ و ۵) نوعی برگردان ساختاری از شعائر مذهبی

1. Oleg Grabar, "The Earliest Islamic Commemorative Structures, Notes and Documents", *Ars Orientalis*, VI (1966), p. 44.
2. Ernst Diez, "Principles and Types", *A Survey of Persian Art*, ed. A. U. Pope and P. Ackerman, 14 vols., (Oxford, 1967), III:926. See also Guitty Azarpay, "The Islamic Tomb Tower: A Note on its Genesis and Significance", *Essays in Islamic Art and Architecture in Honor of Katharina Otto-Dorn*, ed. Abbas Daneshvari (Malibu, 1982), pp. 9ff and note 2.
3. Arthur Upham Pope, "Tents and Pavilions", *Survey*, III:1412.
4. Eric Schroeder, "Seljuk Period", *Survey*, III:1020.
5. S. P. Tolstov, *Scythians of the Aral Sea and Khorezm* (Moscow, 1960), p. 358.
6. Katharina Otto-Dorn & Emil Esin, "Al-Qubbah Al-Turkiyyah: An Essay on the Origins of the Architectonic Form of the Islamic Turkish Funerary Monuments", *Atti del Terzo Congresso di Studi Arabi e Islamici, Ravello* (Naples, 1967), pp. 281-313.

دومرحله‌ای تدفین در میان قبایلی چون «هونها» و «توکیو»<sup>۱</sup> محسوب می‌شوند. به اعتقاد وی، طبقه بالا نمایانگر مرحله تدفین در چادر است که جسد را در داخل آن می‌گذاشتند و با معطر کردن و طواف کردن آن سوگواری می‌کردند. طبقه زیرین هم با مرحله دوم مراسم تدفین در آسیای مرکزی، یعنی قرار دادن جسد در داخل کورگان، تطبیق می‌کند.<sup>۲</sup>



شکل ۴ تربت ملک غازی، قیرشهر، سلجوقیان آناتولی، قرن یازدهم میلادی، برگرفته از اونسال.  
شکل ۵ گنبد شبلی، دماوند، دوره سلجوقی، قرن یازدهم میلادی، برگرفته از استروناخ و یانگ.

بنابراین، اوتودورن نیز همچون کرسول، گرابار و دیگران صرفاً مفهومی بر اساس مطالعه نگاره‌شناختی مقابر برجی و شباهتهای سبکی در این زمینه ارائه می‌دهد. با وجود این، قصد من بررسی کاربرد نشانه‌های بصری موجود در ساختار مقبره‌ها در کنار سنتها و دیدگاههای اسلامی است تا شاید توجیهی برای ساخت آنها، با وجود ممنوعیتشان، بیابم. برای تفسیر نگاره‌شناختی و یافتن دیدگاهی به درون نمادهای معماری بناهای

1. *L'Art de l'Islam* (Paris, 1964), pp. 137-40.  
2. Katharina Otto-Dorn, "Figural Stone Reliefs on Seljuk Sacred Architecture in Anatolia", *Kunst des Orients*, XII/1-2 (1978-79), p. 115. and Guitty Azarpay, "The Islamic Tomb Tower", pp. 9-11.

آرامگاهی، بیشتر روی منابع مذهبی، تاریخی و ادبی ایران در قرون میانه تکیه شده است و از آثار دنیای عرب کمتر استفاده کرده‌ام. این منابع ما را با مفاهیم و پیامهای عجین شده با معماری این دوره آشنا می‌کنند و پس از تحقیق و بررسی جامع و کامل وجوه مختلفی از به کارگیری نگاره‌شناسی معماری، آرامگاههای ایران در قرون میانه را برای ما آشکار می‌سازند.

آنچه در این مطالعه از نمادگرایی ساختاری آرامگاهها آورده شده است، در دو سطح مقدس و الحادی است. گرچه این دو مفهوم گاهی با یکدیگر ارتباط دارند، اما می‌توان میان سطوح مذهبی و سیاسی-اجتماعی تمایز قائل شد.

ساخت مقبره در سطح مقدس یا مذهبی به منزله آینه‌ای است که حیات پس از مرگ و دگرگونی موجودات را نمایان می‌کند و بیانگر تغییر از حالت مادی به حالت معنوی است. آنچه چنین تحولی را کاملاً طبیعی جلوه می‌دهد، میل به تحقق بخشیدن به آرمانهای حیات پس از مرگ و قداست آسمانی متوفی است. از این گذشته، هدف آن جاودانگی روح و بقای حیات است. از این روست که بنای مقبره‌ها با ارزشهای مذهبی، اسطوره‌ای و معنوی درهم آمیخته است؛ به گونه‌ای که این ارزشهای آشکار خودشان در نمادگرایی آرامگاهها به عنوان ساختاری بهشتی-آسمانی و آرامگاهی مقدس به خوبی نمایان‌اند.

در سطح الحادی، ساختار مقبره کاملاً تبیین‌کننده موقعیت اجتماعی و اهمیت سیاسی متوفی است و در حقیقت، پیامی اجتماعی-سیاسی برای آیندگان و معاصران وی به شمار می‌رود.